

تفسیر امام جعفر صادق نخستین بار، پس از معرفی ماسینیون، به کوشش و تصحیح پل نوپا در ۱۹۶۸ در بیروت منتشر شد. مقدمه نوپا بر این تصحیح، به فارسی ترجمه شده و به همراه مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی (ج ۱، ص ۵-۸) منتشر گردیده است. علاوه بر این نوپا در پژوهشی مستقل به بحث درباره این تفسیر پرداخته است. علی زیمور، پژوهشگر لبنانی، تفسیر امام صادق را تصحیح کرد و در ۱۹۷۹ با عنوان *التفسير الصوفي للقرآن عند الصادق* به چاپ رساند.

منابع: سلیمان آتش، مکتب تفسیر اشاری، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران ۱۳۸۱ ش؛ آقابزرگ طهرانی؛ ابن اثیر؛ ابن تیمیّه، *منهاج السنه النبویه*، چاپ محمدرشاد سالم، [حجاز] ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ ابن حبان، کتاب الثقات، حیدرآباد دکن ۱۳۹۳-۱۴۰۳/۱۹۷۳-۱۹۸۳، چاپ انت بیروت [بی تا]؛ ابن خلدون؛ ابن ندیم؛ محمد بن احمد ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، چاپ علی محمد بجای، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴، چاپ انت بیروت [بی تا]؛ محمد حسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ نواد سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء ۳، نقله الی العربیه محمود فهمی حجازی، ریاض ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محمد بن حسین سلمی، مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، بخشهایی از حقائق التفسیر و رسائل دیگر، چاپ نصرالله پورجوادی، ۱- حقائق التفسیر، تهران ۱۳۶۹-۱۳۷۲ ش؛ محمد بن حسن طوسی، الفهرست، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف [۱۳۵۶/۱۹۳۷]، چاپ انت قم [بی تا]؛ عیاض بن موسی قاضی عیاض، ترتیب المدارک و تقریب المسالك لمعرفة اعلام مذهب مالک، ج ۲، چاپ عبدالقادر صحرایی، مغرب ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ کلینی؛ محمدحسین مبلغ، پژوهشی درباره تفسیر عرفانی امام صادق (ع)، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۶-۵ (بهار و تابستان ۱۳۷۵)؛ مجلسی؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ محمدحسین باقرنجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۰، چاپ عباس قوچانی، بیروت ۱۹۸۱؛ پل نوپا، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران ۱۳۷۳ ش؛

Gerhard Böwering, "The major sources of Sulamī's minor Qur'ān commentary", *Oriens*, vol. 35 (1996).

/ محمد تقی سبحانی و محمد تقی کرمی /

تفسیر امام حسن عسکری، از تفاسیر روایی امامیه،

متعلق به قرن سوم. متن این تفسیر تا پایان آیه ۲۸۲ سوره بقره موجود است. این تفسیر با بیان روایاتی راجع به فضائل قرآن و تأویل و آداب قرائت قرآن آغاز شده و با ذکر احادیثی مشتمل بر فضائل اهل بیت (برای نمونه - حدیث سدا لا یواب، ص ۱۷) و مثالب دشمنان اهل بیت (ص ۴۷) ادامه یافته است. بحثهای متعددی نیز درباره سیره نبوی، بخصوص راجع به مناسبات

آموزه‌های صوفیانه کاملاً مطابقت دارد. در این تفسیر نیز به تفصیل به شرح و بیان حروف مقطعه پرداخته شده است. همچنین در آن، اصطلاحات و مفاهیمی چون فناء، ماهیت (سلمی، ج ۱، ص ۲۱)، خواطر (همان، ج ۱، ص ۲۸)، نورالدیمومیه یا نورالهویه (همان، ج ۱، ص ۴۵)، مشاهده (همان، ج ۱، ص ۴۶)، خلعة الهدایه (همان، ج ۱، ص ۶۲) نیز - نوپا، ص ۱۵۶-۱۷۸) به کار رفته است. انتساب بسیاری از این تعبیرها به امام جعفر صادق صحیح نیست، زیرا عباراتی چون «فناء فی الله» و «بقاء بالله» در دوره‌های بعد رایج شدند و بسیاری از عبارتهای دیگر نشان از سده‌های سوم و چهارم دارند (آتش، ص ۴۸).

از سوی دیگر برخی روایتهای این تفسیر یکسره با باورهای شیعه امامیه ناسازگارند، از جمله در پایان آیات سوره حمد، روایتی از امام جعفر صادق در تفسیر کلمه آمین نقل شده (سلمی، ج ۱، ص ۲۳) که تنها با مذهب فقهی اهل سنت سازگار است و فقیهان شیعه، به اتفاق، ذکر این کلمه را جایز نشموده و حتی آن را از مبطلات نماز ذکر کرده‌اند (- نجفی، ج ۱۰، ص ۴۰۲). در تفسیر آیه «... اَلْيَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ...» (مائده: ۳) نیز «الیوم» را اشاره به بعثت پیامبر دانسته است (سلمی، ج ۱، ص ۲۸) و حال آنکه مفسران شیعه، به اجماع و با استناد به احادیث متواتر، آیه مزبور را ناظر به روز غدیر خم می‌دانند. همچنین ذیل آیه «اَللّهُ نُورٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ اَنْ تُنِیِّرَ لِّیْ» (نور: ۳۵)، مطابق روایتی از امام صادق، نور الارض به خلفای چهارگانه تعبیر شده است (همان، ج ۱، ص ۴۵). ذیل آیه دهم سوره حدید، در باب خلیفه اول، تعبیری از امام صادق نقل شده که با باورهای شیعه چندان سازگار نیست (- سلمی، ج ۱، ص ۵۸). بر این اساس، عجیب به نظر می‌رسد که چگونه نوپا تفسیر نعمانی را همتای شیعی تفسیر امام جعفر صادق دانسته و گذشته از مقارنه‌های عقیدتی، دو اثر مذکور را دارای فکر و سبک و حتی محتوای واحد دانسته است. اگرچه خود وی، در جایی دیگر (ص ۱۳۱، پانویس ۴۸)، به این نکته اشاره کرده که در متنی که سلمی در کتاب خود حفظ کرده، هر چه اشاره‌ای به اهل بیت داشته، حذف شده است.

در مجموع، دلایل و شواهد علمی معتبر برای اثبات اصالت این تفسیر و صحت انتساب آن به امام صادق در دست نیست و اطلاعات موجود، از حدس و گمان فراتر نمی‌رود. اگرچه باید به این نکته نیز توجه داشت که منشأ تاریخی تفسیر منسوب به امام صادق هر چه باشد، ورود این تفسیر به جهان تصوف هم‌زمان با شکل‌گیری تعالیم عرفانی و پدید آمدن واژه‌های فنی صوفیانه بوده است و در واقع، به گفته نوپا (ص ۱۳۲)، یکی از قدیم‌ترین شواهد قرائت استنباطی یا تجربی قرآن است.

پیامبر و یهودیان، مطرح شده است (ص ۱۶۱-۱۶۳، ۱۹۰-۱۹۲، ۴۰۷-۴۰۶). در مجموع، در این تفسیر ۳۷۹ حدیث آمده است. بیشتر روایات طولانی و مفصل است، به طوری که گاه یک روایت چندین صفحه را در برمی گیرد (ص ۶۵۶-۶۷۲) و به همین جهت، در برخی موارد ساختار روایی از بین رفته است. در برخی روایات نیز آشفتگی وجود دارد.

در این تفسیر برخی آیات تأویل شده و بیشتر تأویلهای دربارۀ معجزات پیامبر و امامان است (ص ۴۲۹-۴۴۱، ۴۹۷-۵۰۰). در این تفسیر به اسباب نزول آیات کمتر توجه شده، گرچه به مصادیق آیات اشاره شده است. مباحث صرفی و نحوی و بلاغی نیز در این تفسیر وجود ندارد (رضوی، ص ۳۱۳).

سلسله سند روایت کتاب نشان می دهد که نقل این تفسیر در میان محدثان و فقهائ قمر قرن چهارم و پنجم متداول بوده است (ص ۷-۸). مطالب تفسیر را محمد بن قاسم استرآبادی خطیب، مشهور به مفسر جرجانی، که شاید تدوین کننده تفسیر نیز باشد، از دو راوی آن، یعنی ابوالحسن علی بن محمد بن سیار (یسار؟) و ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد، نقل کرده است. در مقدمه کوتاه این دو بر تفسیر آمده است که بعد از به قدرت رسیدن حسن بن زید آنان مجبور به مهاجرت از وطن خود شدند. از آنجا که آنها از آمدن خود نزد امام حسن عسکری علیه السلام سخن گفته اند، تاریخ ورودشان به سامرا می بایست بعد از ۲۵۴ بوده باشد، زیرا این سال، زمان آغاز امامت امام عسکری علیه السلام بوده است (التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری، ص ۹-۱۰؛ قس ابن جوزی، ج ۱۲، ص ۷۴؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۸۶-۲۸۸). در ادامه گفته اند که متن کل تفسیر را به مدت هفت سال نزد امام فراگرفته اند (التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری، ص ۱۲)، حال آنکه از وفات امام در ۲۶۰ سخنی به میان نیامده است و ظاهراً پس از درگذشت امام، آن دو به موطن خود بازگشته اند (همانجا).

با وجود قدمت این تفسیر، وثاقت آن در بین علمای امامیه از گذشته مورد بحث بوده است. محمد بن علی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱)، نخستین عالم امامی است که از این تفسیر مطالب فراوانی در کتب خود نقل کرده، گرچه در باره وثاقت یا عدم اعتبار آن سخنی نگفته است. ابن بابویه متن تفسیر را مستقیماً از استرآبادی دریافت نموده است. وی در آغاز کتاب فتوایی خود، من لایحضره الفقیه (ج ۱، ص ۳)، ضمن اشاره به این نکته که آنچه در این اثر فراهم آمده از نظر خودش صحیح است، بیان داشته که روایات کتاب را از متون معتبر و مشهور گرفته است. همو در باب تبلیه، از استرآبادی حدیثی نقل کرده و در پایان گفته است که باقی آن را

در کتاب تفسیر آورده است (۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۱۲). بر این اساس، اگر شیخ صدوق خود تدوین کننده تفسیر نبوده، احتمالاً تهذیب کننده آن بوده است. مؤید صحت این احتمال، سخن نجاشی (متوفی ۴۵۰؛ ص ۳۹۱-۳۹۲) است که در ذیل آثار شیخ صدوق به دو اثر تفسیری، تفسیر القرآن و مختصر تفسیر القرآن، اشاره کرده است. شاهد دیگر بر این نظر، ذکر روایتی با همین سند در کتاب التوحید (ص ۴۷) شیخ صدوق است. در آخر آن روایت نیز شیخ صدوق بیان داشته که متن کامل حدیث را در تفسیرش آورده است (التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری، ص ۵۰-۵۲).

نخستین منتقد وثاقت تفسیر، احمد بن حسین بن عبدالله غضائری، معروف به ابن غضائری، بود که در الضعفاء خود، محمد بن قاسم استرآبادی را فردی ضعیف و کذاب معرفی کرده و دو فرد مذکور در سلسله سند را - که تفسیر را، به نقل از پدران شان، از امام حسن عسکری روایت کرده اند - مجهول خوانده است. ابن غضائری تفسیر را «موضوع» دانسته و جاعل آن را سهل بن احمد بن عبدالله دیباجی (متوفی ۳۸۰) معرفی کرده است (علامه حلی، ص ۲۵۶-۲۵۷؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۸۸، پانویس).

معتقدان به وثاقت متن تفسیر در نقد کلام ابن غضائری دلایلی آورده اند، از جمله گفته اند که در انتساب متن کتاب الضعفاء به ابن غضائری تردید وجود دارد (آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۸۹، پانویس، ج ۱۰، ص ۸۸-۸۹) و بر اساس متن تفسیر، ابن سیار و ابویعقوب متن را بدون واسطه از امام روایت کرده اند. همچنین در تفسیر تصریح شده است که پدران این دو بعد از مدتی سکونت در سامرا به شهر خود بازگشتند (ص ۱۲) و در اسناد روایت کتاب ذکری از پدران آن دو نیست (ص ۹). بنابراین، ذکر نام آنها در برخی روایات دیگر، سهو کاتب است (آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۹۲)، اما این مطلب پذیرفتنی نیست، زیرا نام پدران ابن سیار و ابویعقوب در تمام روایات منقول از این تفسیر در آثار متعدد شیخ صدوق آمده است (برای نمونه - ۱۳۶۱ ش، ص ۴، ۲۴، ۳۳).

در باره سهل بن احمد هم نجاشی (ص ۱۸۶)، ضمن معرفی او، وی را از جمله کسانی دانسته که بر آنها خرده ای نیست. خطیب بغدادی (ج ۹، ص ۱۲۲) تنها به تشیع سهل بن احمد و نمازگزاردن شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) بر جنازه وی اشاره کرده است که این مطلب بر جلالت مکان وی در بین امامیه دلالت دارد.

نکته جالب توجه دیگر قرار داشتن پدر ابن غضائری در طریق روایت تفسیر با همین سلسله سند متداول است (مجلسی، ج ۱۰۵، ص ۷۸).

عاملی (متوفی ۹۶۵) در اجازات خود، در شمار کتبی که اجازه روایت آن را داده‌اند، حدیثی را از این تفسیر با ذکر طریق خود به آن آورده‌اند (مجلسی، ج ۱۰۵، ص ۷۷-۷۹، ۱۶۹-۱۷۰). در میان فقهای معاصر امامی، شیخ محمدجواد بلاغی^۵ (متوفی ۱۳۵۲ ش) ضمن رساله‌ای از نادرستی انتساب این تفسیر به امام حسن عسکری علیه‌السلام سخن گفته و متن را معمول دانسته است (استادی، ص ۱۶۱-۱۸۴). آیت‌الله خوئی (ج ۱۲، ص ۱۴۷) و شیخ محمدتقی تستری (ج ۷، ص ۵۵۸) نیز با او هم‌رأی‌اند. با این حال، مطالبی در این تفسیر وجود دارد که معمولاً فقها آن را پذیرفته‌اند. برای نمونه می‌توان به حدیث مشهور در بیان اوصاف فقهای که می‌توان از آنها تقلید کرد اشاره نمود (التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری، ص ۳۰۰؛ نیز طباطبائی یزدی، ج ۱، ص ۹-۱۰، باب التقلید، مسئله ۲۲ و شروح این کتاب ذیل همان مسئله). گزارش تقریباً کاملی از اقوال علمای امامیه درباره این تفسیر را استادی (ص ۱۸۶-۲۱۵) آورده است.

نسخه‌های خطی متعددی از این تفسیر موجود است (بکائی، ج ۵، ص ۱۹۰۴-۱۹۰۵؛ سزگین، ج ۱، جزء ۱، ص ۹۵-۹۶). متن تفسیر به فارسی ترجمه شده است (آقابزرگ‌طهرانی، ج ۴، ص ۸۹-۹۰). قدیم‌ترین ترجمه فارسی موجود آن، آثارالاخیار نام دارد که ترجمه ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای (متوفی ۹۸۴) و ترجمه تمام متن موجود است (قس بکائی، ج ۱، ص ۲). قدرت‌الله حسینی شاهمرادی نیز سورة فاتحه این تفسیر را با عنوان تفسیر فاتحه‌الکتاب از امام حسن عسکری سلام‌الله‌علیه و پژوهشی پیرامون آن (تهران ۱۴۰۴) با مقدمه‌ای مبسوط در اثبات و ثاقب تفسیر، ترجمه و منتشر کرده است. سیدحسین بهریلوی (بریلوی؛ متوفی ۱۳۶۱) این تفسیر را به زبان اردو ترجمه کرد و با عنوان آثار حیدری به چاپ رساند (بکائی، ج ۱، ص ۳). متن عربی تفسیر چند بار چاپ شده است (آقابزرگ‌طهرانی، ج ۴، ص ۲۹۲؛ بکائی، ج ۵، ص ۱۹۰۴). این کتاب، بر اساس شش نسخه خطی و به کوشش سیدمحمدباقر ابیطحی، در ۱۴۰۹ در قم چاپ انتقادی شد.

منابع: آقابزرگ‌طهرانی؛ ابن‌بابویه، الامالی، قم ۱۴۱۷؛ همو، التوحید، چاپ هاشم حسینی‌طهرانی، قم [؟ ۱۳۵۷ ش]؛ همو، معانی الاخبار، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۳۶۱ ش؛ همو، من لایحضره الفقیه، قم ۱۴۱۳؛ ابن‌جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن‌شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱، همو، مناقب آل ابی‌طالب، چاپ هاشم رسولی‌محلانی، قم [بی‌تا]؛ رضا استادی، رساله اخیری حول التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه‌السلام در الرسائل الاربعه عشره، چاپ رضا استادی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵؛ محمدحسن بکائی، کتابنامه بزرگ قرآن کریم،

برخی گفته‌اند که طریق شیخ صدوق در روایت این تفسیر، متعدد است، زیرا در مواردی به جای محمدبن قاسم استرآبادی از محمدبن علی استرآبادی، در طریق خود از دو راوی تفسیر، یاد کرده است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۷، ص ۲۴۰؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ۴، ص ۲۸۶، پانویس). بعید نیست که این دو، یکی بوده باشند، زیرا ذکر نام جد به جای پدر متداول بوده است.

همچنین ذکر شده که حسن بن خالد برقی تفسیری در ۱۲۰ جزء به املائی امام حسن عسکری نگاشته است (ابن‌شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۳۴)، اما شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰؛ ص ۴۶۲) حسن بن خالد برقی را جزو کسانی دانسته که ائمه را درک نکرده و از آنان به‌طور غیرمستقیم روایت کرده‌اند. محدث نوری (متوفی ۱۳۲۰؛ ج ۵، ص ۱۸۸)، با استناد به گفته ابن‌شهر آشوب (متوفی ۵۸۸)، قاطعانه تفسیر برقی را طریق دیگر روایت متن تفسیر امام عسکری دانسته است، اما مشکل پذیرش این قول این است که هیچ روایتی از این تفسیر وجود ندارد که نام برقی در آن ذکر شده باشد. همچنین آقابزرگ‌طهرانی (ج ۴، ص ۲۸۳-۲۸۵) اشاره کرده که مراد از عسکری در قول ابن‌شهر آشوب، امام هادی علیه‌السلام است و حسن بن خالد نمی‌تواند از راویان امام حسن عسکری باشد (قس تستری، ج ۳، ص ۲۲۸). در فهرست نسخه‌های عکسی و ریزفیلیمهای کتابخانه سیدعبدالعزیز طباطبائی (متوفی بهمن ۱۳۷۴) در قم، سه نسخه با عنوان تفسیر نگاشته ابوالعلی حسن بن خالد برقی معرفی شده است (طیار مراغی، ص ۱۴۳۶، ۱۴۴۰، ۱۴۸۹)؛ اما با مراجعه نویسنده مقاله و رؤیت نسخه‌ها مشخص شد که آنها همین تفسیر منسوب به امام حسن عسکری و با همین سلسله سند متداول‌اند و دلیلی برای انتساب این نسخه‌ها به برقی، حداقل در این نسخه‌ها، وجود ندارد.

پس از شیخ صدوق، ابو منصور احمدبن علی طبرسی در کتاب احتجاج ضمن معرفی منابع خود از تفسیر امام حسن عسکری یاد کرده، اما به عدم اشتها آن اشاره نموده و به این دلیل، سند روایت کتاب را به‌طور کامل آورده است (ج ۱، ص ۶-۸). سعیدبن هبة‌الله قطب راوندی (ج ۲، ص ۵۱۹-۵۲۱) نیز از این تفسیر، بدون اشاره به نام آن، مطلبی نقل کرده است. ابن‌شهر آشوب نیز از این تفسیر، با تصریح به نام آن ولی بدون ذکر سند، مطلبی آورده است (مناقب، ج ۱، ص ۹۲). عبدالجلیل قزوینی، که در حدود ۵۶۰ کتاب تقض را می‌نوشته، از جمله تفاسیر مشهور امامی به تفسیری با عنوان تفسیر امام حسن عسکری اشاره کرده، اما چون از این تفسیر مطلبی نقل نکرده است، نمی‌توان به‌طور حتم مقصود وی را همین تفسیر موجود دانست (ص ۲۱۲، ۲۸۵).

محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) و شهیدثانی زین‌الدین بن علی

نهران ۱۳۷۴ ش - ۱ تری: حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری، چاپ محمد باقر ابطحی، قم ۱۴۰۹؛ خطیب بغدادی؛ خوئی؛ سعید رضوی، ونگاهی به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۶۰۵ (بهار و تابستان ۱۳۷۵)؛ فؤاد سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء ۱، نقله الی العربیة محمود فهمی حجازی، ریاض ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی، العمدة الوثقی، بیروت ۱۴۰۹؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ ابراهیم بهاری و محمد هادی، قم ۱۴۱۳؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، نجف ۱۹۶۱/۱۳۸۰؛ محمود طیارمراغی، فهرست نسخه‌های عکسی و میکروفیلم‌های کتابخانه محقق طباطبائی، در المحقق الطباطبائی فی ذکره السنویة الاولی، ج ۳، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۷؛ عبدالجلیل قزوینی، نقض، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۵۸ ش؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، رجال العلامة الحلّی، چاپ محمدصادق بحر العلوم، نجف ۱۹۶۱/۱۳۸۱، چاپ انت قم ۱۴۰۲؛ سعید بن هبّالله قطب رازندی، الخرائج و الجرائع، قم ۱۴۰۹؛ مجلسی؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسوی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ حسین بن محمد تقی نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰.

/ محمد کاظم رحمتی /

تفسیر بیضاوی - بیضاوی، عبدالله بن عمر

تفسیر ثعالبی / ثعلبی - ثعالبی، ابواسحاق

تفسیر سلمی - حقایق التفسیر

تفسیر سوره‌آبادی، تفسیر کهن قرآن کریم به فارسی نوشته ابوبکر عتیق بن محمد هروی نیشابوری، معروف به سوره‌آبادی یا سوربانی، مفسر کرامی در قرن پنجم. از تاریخ تولد سوره‌آبادی و جزئیات زندگی او اطلاعی در دست نیست. صریفینی (ص ۶۱۱) از او با عنوان «عتیق بن محمد سوربانی» و «شیخ طائفه ابی عبدالله در نیشابور» یاد کرده است. در آن دوران کنیه ابی عبدالله بیشتر به محمد بن کرام، بنیانگذار فرقه کرامیه، اطلاق می‌شده است (شفیعی کدکنی، ص ۷۶).

در نسخه‌های مختلف این تفسیر، از او با عناوین ابوبکر عتیق بن محمد سوربانی / سوربانی / سوره‌آبادی، ابوعبدالله عتیق محمد نیشابوری معروف به سوره‌آبادی و ابوبکر عتیق محمد بن منصور سوره‌آبادی یاد شده است (سوره‌آبادی، ۱۳۶۵ ش، مقدمه مهدوی، ص ۶، ۸-۱۱). مشخص نیست که اصل او از کجاست. نام روستا یا محلی به نام سوره‌آباد در منابع نیامده، اما سوربان از روستاهای نیشابور در منابع دیده شده و احتمالاً

تداول ختم اسامی شهرها و روستاها به کلمه «آباد» باعث تبدیل «سوربان» به «سوره‌آباد» شده است (یاقوت حموی، ذیل «سوربان»؛ سوره‌آبادی، ۱۳۶۵ ش، همان مقدمه، ص ۱۴-۱۵). علی فاضل (ژنده‌پیل، یادداشتها، ص ۲۲۸-۲۲۹) او را از «زوره‌آباد»، روستایی در نزدیکی تربت‌جام و هرات، دانسته و گفته است که زوره‌آباد همان سوره‌آباد است که بتدریج بر اثر کثرت استعمال یا از طریق ابدال حرف ز به س به این صورت در آمده است. یاقوت حموی (ذیل «زوره‌آباد») نیز از «زوره‌آباد» یاد کرده که روستایی در نیشابور بوده است.

در انتساب سوره‌آبادی به هرات که در برخی منابع به آن اشاره شده است (محمدالله مستوفی، ص ۶۹۴؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۴۴۰، ۴۴۹؛ بغدادی، ج ۱، ستون ۶۵۱)، دلیل قاطعی در دست نیست. شاید وجود برخی ویژگیهای زبانی متعلق به لهجه هرات است، موجب این انتساب شده باشد (سوره‌آبادی، ۱۳۶۵ ش، همان مقدمه، ص ۱۵-۱۶). احمد بهمنیار نیز او را از شوذبان، از روستاهای هرات، دانسته است (بیهقی، ص ۲۴۸، پانویس ۴؛ نیز - یاقوت حموی، ذیل «شوذبان»).

در نسخه قونیه از تفسیر سوره‌آبادی (ذیل آیه اول از سوره انبیاء) آمده که از زمان وحی تاکنون چهارصد و هفتاد و اندی سال گذشته و هنوز قیامت نشده است (سوره‌آبادی، ۱۳۶۵ ش، همان مقدمه، ص ۱۷). با توجه به این سخن، می‌توان گفت که محمدالله مستوفی (همانجا) را که سوره‌آبادی معاصر البارسلان سلجوقی (حک: ۴۵۵-۴۶۵) بوده است، پذیرفت.

صریفینی (همانجا)، سوره‌آبادی را عابد و مجتهد و فاضل خوانده و وفات او را در صفر ۴۹۴ ذکر کرده است.

نام تفسیر سوره‌آبادی در برخی نسخه‌های خطی موجود، «تفسیر التفسیر» آمده است. این اثر، بر مبنای نسخ خطی موجود، تفسیری بزرگ است که ظاهراً به هفت شُعب تقسیم شده است. تفسیر با حمد خدا و نعت رسول اکرم آغاز می‌شود، سپس مقدمه‌ای درباره تفسیر می‌آید و سبب فارسی بودن آن و اینکه مفسر به روایت کدامیک از راویان اعتماد کرده است، شرح داده می‌شود. سپس از سوره حمد تا انتهای سوره ناس ترجمه و تفسیر می‌گردد. سوره‌آبادی درباره سبب به فارسی نوشتن این تفسیر گفته است که از او خواسته‌اند تا نفع آن عامتر باشد و افزوده است که اگر آن را به عربی می‌نوشتیم، باید معلمی آن را درس می‌داد، در حالی که قرآن را به هیچیک از الفاظ عربی بهتر از الفاظ خود قرآن، نمی‌توان بیان کرد (سوره‌آبادی، ۱۳۶۵ ش، همان مقدمه، ص ۶-۷؛ همو، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۷).

سوره‌آبادی در ابتدای هر سوره، عنوان و تعداد آیات و کلمات و حروف و محل نزول و فضیلت آن را آورده و در تفسیر آیات گاهی تمام یک آیه را یک جا، و گاه به صورت جزء جزء،